بسمه‌تعالی

خانم معصومه عارف نیا

سابقه‌ی مدیریت: 28 سال رشته‌ و مقطع تحصیلی: کارشناسی الهیات سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش: 35 سال

تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه: دبستان دخترانه تقوی – منطقه 8

پژوهشگر:

معلم، کارشناس اداره بودم. بیشتر کار اجرائی کردم. شش ماه تربیتی بودم. سال بعدش گفتند بیا معاون آموزشی شو در مدرسه و سال بعدش مدیر شدم. نمیدونم شکلم میخورد به مدیرها شاید 😊

نگاه حاکم بر فرآیند یادگیری در مدرسه ی شما چیست؟ چه اتفاقاتی باید بیفته و چه چیزی مشاهده بشه که بگید یادگیری اتفاق افتاده؟

یادگیری در درجه ی اول معلم باید بلد باشه چه کار کنه. یعنی وقتی معلم راه رو بلد نیست بچه هم یاد نمی گیره. مثلا در مدرسه همکارهایی داریم که سوادشون رو گذاشتن در حد همون دوره ی تربیت مربی بیست و پنج شش سال پیش خودشون ، جدید پیش نرفتن و حوصله ی پیش رفتن نداشتن. در کنارش همکارانی که قدم برداشتند و کار کردند و علمشون به روز شده، استفاده می کنند از امکاناتی که هست. بچه هاشون هم بهتر یاد می گیرند. بهتر می فهمند بهتر می تونن پاسخگو باشند. توی یادگیری در درجه ی اول معلم رو من میدونم که باید اول خودش بخواد علمش و معلوماتش رو به روز بکنه. دنبالش باشه توی همون حیطه ی قدیم باقی نمانده باشه. حتی معلم هایی که علمشون به روزه چیدمان کلاسشون هم فرق می کنه. یعنی میزهاشون رو اونجوری که بچه ها دوست دارن می چینن . حتی روی نشستن بچه هاشون. ولی اون کسی که تمایلی نداره در نتیجه می بینیم دیگه تاثیری که یادگیریشون داره و بچه ها یاد میگیرن. معلمی رو داریم که وقتی که نتونسته پیش با زمان بره حتی بچه از سر کلاسش بلند میشه بیاد بیرون و معلم متوجه نمیشه. بچه رو میبریم سر کلاس و میگیم این بچه ی شماست. میگه کی اومد بیرون؟ متاسفانه با وجود کمبود نیرو در آموزش و پرورش و اینکه نیرو نمی گیره ... درسته ما تجربه داریم ولی تجربه در کنار علمه. علم بایستی پیشرفت کنه.

مهم ترین عنصر رو معلم می دونید؟ در کنار معلم بقیه ی عوامل رو ناچیز می دونید؟

نه. اول معلم است. ببینید ما کلاس چهل نفره داریم. خب این تعداد خیلی زیاد است و مدام میگن توصیفی. توصیفی چگونه کار کنیم با بچه ها؟ چهل تا بچه رو نشوندیم سر کلاس و میگیم باهاشون کار کن، توصیفی هم کار کن. توصیفی اصلا یعنی چی؟ یعنی کاری که بچه میکنه در حیطه های مختلف. با چهل تا چجوری؟ بعد ساعتها رو اومدن تغییر دادن. مثلا امسال یه ساعت اومدن از ساعتهای کاری ما کم کردند. یعنی یک ساعت حذف. پنجشنبه ها رو هم که حذف کردن. بچه های ما که هم ششم داریم هم اول نمیتونیم همه رو باهم بفرستیم بیرون. اون هم با 75 ال پله. بچه ی کوچک کلاس اولی با بچه ی کلاس ششمی باید باهم از در برن بیرون. زمان رو کم کردیم. کلاس رو پر جمعیت کردیم. امکانات رو هم نمیدیم. فرآیند یادگیری چطور باید اتفاق بیفته.

منظور سوال من فرآیند یادگیریست. چطور این فرآیند اتفاق میفتد؟

تغییری که دانش آموز می کند. مثلا امروز بچه های ما قبل از این تعطیلی ها حرف اُ رو یاد گرفته بودن ، من دیدم بچه های کلاس اول یه نامه نوشته بودن من رو دعوت کردند کلاسشون برای اینکه مُدیر رو یاد گرفته بودن بنویسن. خب این خودش میشه تغییر.

خب این تغییر چطور اتفاق میفته؟

در درجه ی اول از حرکت معلم. معلم بوده که بهشون یاد داده. معلم یاد داده. بچه یاد گرفته. با کلماتی که نوشته و با شناختی که پیدا کرده.

محیط یادگیری رو چطور تعریف میکنید؟

محیط یادگیری مجموعه ای هست از وسایل و امکاناتی که سر کلاس هست و داریم.

اینها ابزار آموزشی هستند.

خب تاثیر داره.

بیشتر روی خود محیط می خواهم تمرکز داشته باشیم. مثلا فقط آموزش داخل کلاس هست یا بیرون از کلاس هم می آیند.

ما بیرون از کلاس هم داریم. حیاطمان هست. بچه ها مثلا برای درس علوم و سایه ها بچه ها میان توی حیاط و با گچ سایه های همدیگه رو می کشن. یا اینکه توی حیاط ما بچه ها فرش پهن می کنند و کارهای دستی می کنن. یا دم عید که میشه سبزی کاری دارن. یا بازدیدهایی که می بریمشون.

برای سبزیکاری چه فضایی دارید؟

جعبه دارند بچه ها.

منظورتون از به روز کردن معلم ها چیست؟

علمشون رو به روز کنیم. مثلا در استفاده از سیستم ها. ما داریم هنوز برخی از همکارهایی که حتی اگر فیش بلندگوها هم درمیاد بلد نیستند جا بندازن. اومدن دوره گذاشتن که همه باید برن ورد و اکسل و اینها رو بگذرونن، همه هم رفتند و گرفتند و در ارزشیابی هاشون در نظر گرفته شد اما عملا نه.

شما توی این ده سالی که در همین ساختمان یودید، تغییراتی در ساختار مدرسه، ساختمون، حیاط و .. داشتید؟

آره خب مثلا ما حیاطمون پویاست. روی دیوارهای حیاطمون جدول ضرب رو داریم، سیارات رو داریم. پیامهای بهداشتی، پیامهای ورزشی، کف حیاط انواع و اقسام بازی هایی که میشه. مثلا مار و پله، پرش، مار و پله. دایره های ورودی مدرسه لی لی هستند و پرش. حیاط مدرسه رو پویا کردیم ولی ساختمان رو نمی تونیم تغییری بدیم. چیکارش کنیم مثلا؟ اضافه کنیم یا کم کنیم باید با نظر اداره باشه.

خودتون صرف نظر از محدودیت ها فکرش رو کردید که ایکاش می تونستم این تغییرات رو بدم؟

بله. می خواستم اتاق ورزش درست کنم منتها گفتند که اتاق ورزش ما بخاطر اینکه ته حیاط بود و ساختمانهای مجاور داشت گفتند خطرناکه و اگر مساله ای بشه ریزش می کند روی بچه ها و برای همین اجازه ندادند.

از امکاناتبیرون مدرسه چقدر استفاده می کنید؟

امکانات بیرون مدرسه ما در ارتباط هستیم. با ورزشگاه مراوداتی داریم. یا مسجد، یا خانه ی سلامت یا کتابخانه

این فضاها رو برای یادگیری مناسب دانش آموز می دونید؟

بله خوبه. حتی در رابطه با مشاغل، مشاغلی که اطرافمون هست و باباهاشون هستند. نانوائی هست بچه ها رو می بریم، طرز پخت نون رو بهشون نشون میدن. به خودشون نونهای کوچیک میدن یا باباهارو میاریم مدرسه.

یعنی از پتانسیل ها و ظرفیت های اولیا استفاده می کنید؟

بله اصلا نمیشه که نباشه. ما با مترو خیلی در ارتباطیم. همکارهایی که در مترو هستند، خیلی می آیند مدرسه و در رابطه با کار و فعالیتشان توضیح می دهند. مامانها هم هستند پزشکن، بعضی ها معلم هستند. حتی اولیائی داشتیم خطاطی می کردند. هرکس به تناسب شغلش.

فکر می کنید در استفاده از امکانات و فضاها چه در داخل مدرسه و چه خارج از آن، چه ویژگی هایی دارید؟

فکر میکنم اول باید شناخت داشته باشیم. مطمئن بشیم و بعد باهاشون ارتباط بگیریم و بعد هماهنگی با اداره. چون ما هیچکدوم از کارهامون رو بدون اجازه ی اداره نمی تونیم انجام بدیم.

حتی دعوت از اولیا؟

بله. مثلا می دونن که ما جزو یکی از کارهای طرح بوم، برنامه ویژه مدرسه، استفاده از امکانات اولیا باید داشته باشیم و این با نظر اداره است. با اداره در ارتباط هستیم و بهشون میگیم و اگر اجازه دادند.

مثلا یکی از مامانهای ما نقاشه و کلاس نقاشی داره. ما باید از ایشون استفاده کنیم چون ما متخصص هنر نداریم که . یا یکی از مامانهامون هست که در باشگاه مربی ورزش هست، خب ما از امکانات ایشون استفاده می کنیم. اگر این امکانات نباشه پیش نمیره.